



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

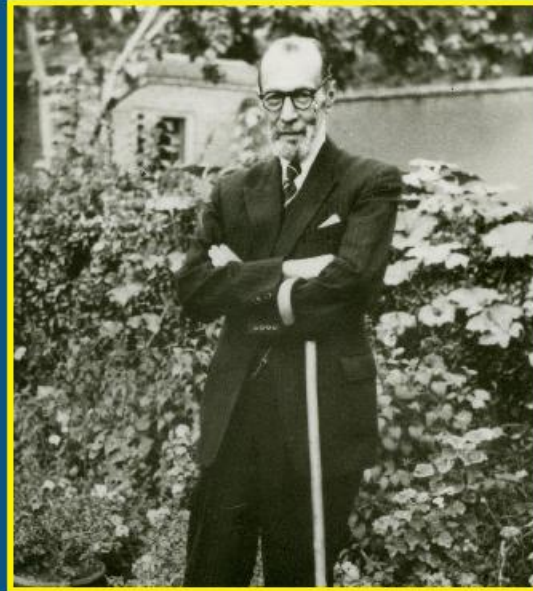
www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰ ۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر مهر روز

لقب ملک الشعراء، برازنده بهار بود

سمیه خاتونی - مصادف با ۱۸ آذر ماه، روز جهانی مبارزه با فساد که در دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد به تصویب رسید و سالانه در این روز جشن گرفته می شود. در ایران، شاعر، ادیب، نویسنده، روزنامه نگار، تاریخ نگار و سیاستمداری متولد شد که در مبارزه با فساد و دیکتاتوری رضاشاه، نمایی ملدگار در تاریخ ایران دارد. محمد تقی بهار، نمایی آشناست که در ۱۸ آذر ۱۲۶۵ هجری خورشیدی در یک روز پنجشنبه پاییزی در مشهد به جمع خلدان میرزا محمد کلطم صبروی، ملک الشعراء آستان قدس رضوی در زمان ناصرالدین شاه پیوست. او در خلدانی پرورش یافت که خود را از نسل میرزا احمد کاشانی، قصید مسرای سر شمس عهد فتحعلی شاه می دانستند و به همین جهت پدر بهار، تخلص صبروی را بر گزیده بود. مادر او مانند پدر اهل علم و شعر و کتاب بود و دور از انتظار نبود در خانواده های ادیب و کتاب خوانی که پدر خانواده با صدای بلند برای افراد خانواده کتب می خواند و مادری که در خولدن او راهمراهی می نماید، فرزندی شکوفا شود تا در آینده ای امید بخش، به لقب ملک الشعراء سر زمین ایران، لقبی که پیش از آن پدر در مشهد داشت معنای وسیع تری بیخشد. با اوصافی که از خانواده بهار گفته شد، محمد تقی، در چهار سالگی به مکتب و در شش سالگی فارسی و قرآن را به خوبی یاد می گیرد و از هفت سالگی با شاهنامه نس پیدا می کند و در همین سن هفت سالگی اولین شعر خود را می سراید. در برهه های پس از مرگ ناصرالدین شاه، اوضاع آنچنان بر وفق مراد شعر انبوه و به همین دلیل پدر، محمد تقی را از شاعری بر حضر داشت و تاکید داشت که وارد دنیای تجارت شود، اما محمد تقی علاقه های به تجارت نداشت و شعر و ادبیات در وجودش نهادینه شده بود و زملی که پدر او از دنیا رفت، فشاری که از سوی پدر برای دوری از شعر و شاعری وجود داشت به سر انجام نرسید.

در درجه اول قصیده سرا، ملک الشعراء بهار بود



رهبر معظم انقلاب در هفتم از دیهشت ۱۳۷۷ در جمع صمیمی جوانان که درباره موضوعات متعددی سخن گفتند، در جواب یکی از حاضران که پرسید: با توجه به علاقه شما به هنر و ادبیات، از شعرای معاصر، آثار کدامیک را بیشتر مطالعه کرده اید و به کدامیک بیشتر علاقه دارید؟ ایشان گفتند:

«هن شعراء معاصر را تقسیم میکنم به شعری که غزل سرا بودند، شعری که قصیده سرا بودند و شعری که نوسرا بودند. در درجه اول، قصیده سرا، «ملک الشعراء بهار» بود که قصیده های اش را خیلی به خودش جلب می کرد. مرحوم «سیری فیروز کوهی» هم یک نوع قصیده سبک خفاتی می گفت که آن هم در نوع خودش قصیده بسیار فخیم و برجسته ای بود؛ از آن هم من خیلی خوشم می آمد.»

ملک الشعراء بهار، جز و شعرا و ادبایی است که در عرصه سیاست و در مقیله با ظلم نیز در کنار شهید مدرس خوب درخشید. او با شاعران روشنگر هم عصر خودش نیز ارتباط داشت به خصوص با میرزاده عشقی که با همکاری یک دیگر در سال ۱۳۰۳ و دورانی که رضاخان نخست وزیر بود، مثنوی معروف «جمهوری نامه» را در مخالفت با جمهوری رضاخانی، سر و بردند. فعالیت سیاسی بهار، تا آنجا پیش رفت که در سال ۱۲۹۳، از حوزه تخریب در گز، سرخس و کلات، به نمایندگی مجلس سوم شورای ملی انتخاب شد و در همان سال دوره سوم مجله نو بهار را در تهران، منتشر کرد و سال بعد از آن لجن مندی دلشکده و نیز مجله دلشکده را بنیان گذاشت که به اعتقاد او مکتب تازه ای در نظم و نثر به وجود آورد. البته انتشار نو بهار بارها ممنوع و دوباره آزاد شد و بهار، بابت این توقیف هم معر و قترین قصیده اش بانام «شکوی را در سال ۱۲۹۷، سر و در برهه ای که کودتای ۱۲۹۹ رخ داد و اوسه ماه خانقشین شد به یاد مملدنی ترین قصیده اش به نام «هیجان روح» را سرود.

او در دوره چهارم مجلس به انتخاب مردم بجنورد دوباره وارد مجلس شد و با سید حسن مدرس رهبر فرآکسیون انقلاب همراهی کرد. در طول همین دوره از مجلس، بهار نیز در تسلف، زبان پهلو را اموخت.

محبوبیت بهار، تا جایی شد که در مجلس پنجم، به عنوان نماینده مردم تبریز حضور پیدا کرد و جدی تر در صف مخالفان جمهوری رضاخانی قرار گرفت. وی با این اعتقاد که موافقت سر دار سپه با جمهوری، در میان مردم تردید بوجود آورده است نتیجه چنین جمهوری ای را دیکتاتوری رضاخان دانست و روی به سر و دن اشعاری آورد که به ظاهر در تحسین جمهوری بودند اما در باطن مخالفت او با دیکتاتوری رضاخان را می رساندند. با وجود مخالفت علنی بهار در کنار سید حسن مدرس پس از به سلطنت رسیدن رضاشاه، بهار توانست به دوره ششم مجلس نیز راه یافت اما به دلیل خفقانی که بر جامعه حاکم شده بود از سیاست کناره گیری کرد و در دارالمعلمین عالی به تدریس پرداخت. اما مخالفت او با دیکتاتوری رضاخان، که به صورت پنهانی نیز بود از چشم مله وران حکومت دور نماند و چند ماهی به زندان افتاد و سپس به مدت یک سال، تبعید در اصفهان را تجربه کرد. این دوران برای بهار، فرصتی ایجاد کرد تا دوباره در کارهای علمی متمرکز شود و به مطالعه متون و تحقیق ادبی و زبلی بپردازد. تصحیح متونی چون مجمل التواریخ و لقصص، تاریخ باعمری و منتخب جوامع الحکایات عرفی و همچنین ترجمه آثاری از پهلووی به فارسی، تألیف سبک شناسی و نگارش احوال فر دوسی بر مبنای شاهنامه از جمله فعالیت های او در این دوره است. فعالیت سیاسی و دغدغه های بهار، که مدتی در درونش خاکستر شده بود با سقوط رضاشاه در شهر یور ۱۳۲۰، دوباره شعله ور شد و دوباره به فعالیت سیاسی و اجتماعی روی آورد و در ۱۳۲۶ به عنوان نماینده تهران در مجلس پانزدهم انتخاب شد و ریاست فر آکسیون حزب دموکرات را به عهده گرفت. اما اثر ابتلاء به بیماری سل، تنها در ماه های تیر، مرداد و شهریور ۱۳۲۶، فرصتی دوباره برای حضور در امور در مجلس را پیدا کرد، اما بیماری سل، او را از مجلس دور کرد و زملی که برای درمان به سوئیس رفت، قصیده به یاد وطن معروف به «زنبیه» را سرود. با نگاهی به آثار منشور و منظوم بهار، با آثاری متنوع از انواع شعر سنتی و اشعار به زبان محلی، گرفته تا تصنیف و ترانه، مقاله ها و سخنرانی های سبکی و انتقادی، رساله های تحقیقی، نمایشنامه، اخویات و مکتوبات، تصحیح نقادانه متون، ترجمه های متون پهلووی، سبک شناسی نظم و نثر، دستور زبان، تاریخ احزاب، مقدمه بر کتابها و حواشی بر متون به خصوص شاهنامه فر دوسی روبه رومی شویم.

مهم ترین اثر بهار «دیوان اشعار» اوست که به اعتباری کارنامه عمر او نیز به شمار می رود. این دیوان در زمان حیات او به چاپ نرسید. جلال متینی از بهار نقل می کند که می خواسته است سر و ده های خود را از صافی نقد بگذراند و منتخب دیوان خود را به چاپ برساند و از وزارت فرهنگ خواسته بود که دو تن آشنا با شعر و شاعری را برای پاک نویسی اشعارش در اختیار او بگذارند، اما این تقاضا اجلیت نشد. از آنجایی که ملک الشعراء بهار، همسر و فرزند خود را از دست داده بود توسط دوست قدیمی اش باسودله صفدری از نوادگان فتحعلی شاه قاجار آشنا و ازدواج کرد و تا پایان عمر خود با او زندگی کرد. هوشنگ ملک، ماه ملک، ملک دخت، پروانه، مهر داد و چهر زاده فرزندی حاصل زندگی مشترک محمد تقی و سودابه است. ماه ملک بهار، دختر بزرگ وی، در شرح احوال پدرش نوشته است: پدرم در سال های آخر عمر سخت منزوی و گوشه نشین شده بود. همیشه خسته و کوفته بود و از آن همه شور و نشاط و هیلهوی درونی خبری نبود و غالباً در ستر افتاده بود و بیوسته تب سل او را می سوزانید. بهار در روز اول اردیبهشت ۱۳۳۰، ساعت ۸ صبح، در خانه مسکونی خود در تهران سفر لیدی اش را آغاز کرد و در اساس سال شمار زندگی بهار، به قلم محمد گلبن، در دوم اردیبهشت ماه بعد از ظهر جنازه او را از مسجد سپهسالار تا چهار راه مخبر الدوله بر سر دست بردند و در ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز او را در شمیران در باغ آرامگاه ظهیر الدوله، به خاک سپردند. روحش شاد



www.mci.ir

شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول

